



خلاصه طرح «مفاهیم و فرآیندها در فرهنگ و اجتماع دانشگاهی»

تدوینگر طرح: جناب آقای دکتر اصغرپور

دانشگاه‌ها، از این جهت که بخش مهمی از جمعیت فرهیخته و جوان کشور را در خود جای داده‌اند می‌توانند نقش مهمی در توسعه هر جامعه ایفا نمایند. عموم دانشجویان کسانی هستند که به‌تازگی تحصیلات متوسطه را تمام کرده‌اند و در اوج توانایی فیزیکی و فکری به سر می‌برند. استفاده بهینه از توانمندی‌های این قشر و نیز مدرسان دانشگاه‌ها که عموماً از میان برجسته‌ترین فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها انتخاب می‌شوند، بدون وجود فرهنگ و اجتماع کارآمد امکان‌پذیر نخواهد بود.

دانشگاه‌ها با دو کارکرد اصلی آموزش و پژوهش تأسیس شده‌اند. تحقق دو کارکرد آموزش و پژوهش در گرو خصایص فرهنگی و اجتماعی دانشگاه است. اما آن‌ها علاوه بر این دو کارکرد، کارکردهای پیش‌بینی نشده و پنهان متعدد دیگری هم دارند. آنچه که از آن به‌عنوان برنامه درسی پنهان یاد می‌شود در تمام ارکان دانشگاه جاری است و هر سه قشر اصلی موجود در دانشگاه یعنی دانشجویان، استادان و کارکنان در معرض آن قرار دارند.

آنچه در تعاملات رسمی و غیررسمی، آیین‌نامه‌ها، کلاس‌ها و جلسات می‌گذرد در فرآیندی چهارساله (کمتر یا بیشتر) دانشجویان را جامعه‌پذیر می‌کند. اهمیت این موضوع از آن جهت است که همین رویه‌ها در آینده، در سازمان‌ها، شرکت‌ها و هر مکان دیگری که این دانشجویان مشغول به تحصیل خواهند شد، جریان خواهد داشت.

استادان نیز فارغ از خصایص فرهنگی و اجتماعی دانشگاه عمل نمی‌کنند. این ویژگی‌های جامعه دانشگاهی است که آنان را به فعالیت بیشتر، کار گروهی، گشودن مرزهای جدید در دانش خود و ... ترغیب می‌کند یا به شکلی ضمنی از آنان می‌خواهد محافظه‌کار باشند و خود را در چارچوب فعالیت‌های روتین و روزمره محدود کنند. این ویژگی‌ها را در کیفیت زندگی شغلی کارکنان دانشگاه هم می‌توان یافت. هنجارها و رویه‌هایی که در دانشگاه جریان دارد در تعاملات میان کارکنان و دیگر اقدار جامعه تعیین‌کننده است.

هدف این پژوهش بررسی دو جنبه اصلی هر جامعه یعنی فرهنگ و اجتماع در بستر دانشگاه است. مورد مطالعه، دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد که یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های دولتی کشور است. شناخت هر جامعه‌ای از طریق بررسی فرهنگ و ساختار اجتماعی آن امکان‌پذیر است.

در بخش روش، این پژوهش مبتنی است بر ساخت یک مدل مفهومی، مبتنی بر رویکرد سیستم‌های پیچیده و سپس مراجعه به واقعیت (افراد و اسناد) برای تنظیم و تنقیح این مدل. در مراجعه به واقعیت، رویکرد کیفی اتخاذ شده است. به این ترتیب که با افراد مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته عمیق انجام شده است و متون نیز مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفته‌اند. در مصاحبه‌های کیفی با ۱۵ نفر از فعالان تشکل‌های داوطلبانه دانشجویی، نیز ۱۴ نفر از دانشجویان عادی مصاحبه شده است. در هر مصاحبه، تم‌های کلی در حوزه فرهنگ و اجتماع دانشگاهی به مصاحبه‌گران ارائه شده است تا در آن چارچوب گفتگو را پیش ببرند. در بررسی اسناد، نیز مجموعه‌ای از استاد بالادست در حوزه فرهنگ جمع‌آوری شدند در چارچوب مفاهیم مورد موجود در مدل مفهومی خوانش شدند.

جهت مصاحبه با دانشجویان فعال فرهنگی مولفه‌های زیر مورد سوال قرار گرفت:

عناصر	مولفه
اجتماع	روابط میان دانشجویان (با هم جنس و غیر همجنس در حوزه‌های مختلف)
	روابط میان استادان (مشاهدات و شنیده‌ها)
	روابط میان دانشجویان و استادان (علمی و غیر علمی).
	روابط میان دانشجویان و کارمندان
	روابط درون تشکلی
	واقعیت‌های داخل تشکل‌ها
	روابط میان تشکلی

فضای فیزیکی	فعالیت‌های فرهنگی
مشارکت و حضور در فضاهای فرهنگی	
مشارکت و حضور در تشکل‌ها	
تعلق خاطر	
تعریف دانشجو و ویژگی‌های آن	

در گروه دانشجویان عادی نیز مولفه‌های زیر طراحی و مورد سوال قرار خواهد گرفت:

عناصر	مولفه
اجتماع	روابط میان دانشجویان (با هم جنس و غیر همجنس در حوزه‌های مختلف)
	روابط میان استادان (مشاهدات و شنیده‌ها)
	روابط میان دانشجویان و استادان (علمی و غیر علمی).
	روابط میان دانشجویان و کارمندان
فعالیت‌های فرهنگی	فضای فیزیکی
	مشارکت و حضور در فضاهای فرهنگی
	مشارکت و حضور در تشکل‌ها
	تعلق خاطر
تعریف دانشجو و ویژگی‌های آن	

در یک تفکیک تحلیلی دو خرده نظام فرهنگ و اجتماع از یکدیگر جدا شدند تا مهم‌ترین مفاهیم و فرآیندها از یکدیگر متمایز شوند. هدف این پژوهش یافتن تنگناها و مفاهیمی بود که می‌توانستند تهدیدی برای کارکردهای نظام دانشگاه به‌عنوان یک کل باشند. شکل یک مفاهیم کلیدی بر ساخته شده برای خرده نظام فرهنگ دانشگاهی را نشان می‌دهد.



شکل ۱- مفاهیم کلیدی در بررسی فرهنگ دانشگاه

مفهوم مرکزی در بررسی فرهنگ دانشگاهی، جدالی است که میان فرهنگ فاخر و فرهنگ واقعی وجود دارد. فرهنگ فاخر در دانشگاه، به‌عنوان میراث گذشتگان، عنصر هویتی متمایزکننده و نیز حیثیت بخش به شمار می‌رود. این فرهنگ در آیین‌نامه‌ها و مقررات و نیز در گفتمان رسمی دانشگاه جاری است.

اما در عین فرهنگی واقعی نیز وجود دارد. یعنی هنجارهای و ارزش‌های عملی در میان استادان و دانشجویان و کارکنان. این هنجارها و ارزش‌ها در بسیاری از اوقات تفاوت ماهوی و جدی با فرهنگ فاخر دارند. تعارض میان این دو فرهنگ گاهی شکل جدال به خود می‌گیرد. دشواری‌های موجود در مورد تقلب در امتحانات و نیز تألیف پایان‌نامه‌ها شاید برجسته‌ترین مثال این مورد باشد.



شکل ۲- مفاهیم کلیدی در بررسی اجتماع دانشگاه

شکل دو مفاهیم و فرآیندهای شناسایی شده در خرده نظام اجتماع دانشگاه را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مفهوم کلیدی در این زمینه رقیق شدن تعلق خاطرهاست. به این معنی که باریک شدن روابط دوستی میان اعضای دانشگاه و نیز کاهش تعلق خاطر به دانشگاه می‌تواند تهدیدی برای کارکردهای اساسی دانشگاه باشد.